

آشنایی با موسیقی دانان بزرگ

بتهون

بتهون متولد ۱۷۷۰ است پس از آنکه بتهون در سال ۱۷۸۱ دوره ابتدایی را به پایان رساند ، مهمترین معلم او و نیز معشوق دوران جوانی اش گت لب نه فه نوازنده ارگ کلیسای دربار و اهنگساز بیشترین تلاش را برای وی در زمینه آموزش انجام داد و استعداد بتهون در موسیقی خیلی زود نمایان شد

در سن ۱۳ سالگی به عنوان همراهی کننده در کلیسای دربار استخدام شد او در این دوران با شیوه کار ارکستر آشنا شد و فرصت یافت با ادبیات موسیقی زمان خود آشنا شود در این دوران او همواره از حمایت شاهزاده فردیناند فون والد شتاین برخوردار بود وی در سال ۱۷۸۷ با بورس تحصیلی دربار به اتریش رفت و در شهر وین برای مدت کوتاهی از موزارت درس موسیقی را فراگرفت .

او در سال ۱۷۹۲ بعد از مرگ مادرش مجدداً به وین بازگشت و به وسعت دانش موسیقی خود پرداخت او بعد از این هیچگاه به زادگاهش یعنی بن بازنگشت و تا پایان عمر در وین ماند او در این مدت از اساتیدی همچون هایدن و انتونیو سالیه ری بهره برد .سیر سخت زندگی حدوداً ۵۶ ساله خود با بیماری علاج ناپذیر ناشنوایی و سیروز کبدی همراه بود اما او در این دوران اثری را خلق کرد که همه را شگفت زده کرد او درباره بیماریش میگوید : فقط گوشه‌هایم شب و روز وز وز میکنند میتوانم بگویم که زندگی ام را غم انگیز میگذرانم صدای زیر سازها و آوازه‌ها را وقتی کمی دور هستم نمیشنوم و حتی گاهی اوقات صدای کسی را که هسته صحبت میکند نمیشنوم .

در ۴۳ سالگی گوش راستش کاملاً ناشنوا میشود و در ۴۸ سالگی کاملاً ناشنوا میشود و در ۵۱ سالگی به بیماری یرقان دچار میشود و بعد از مدتی در ۲۶ مارس ۱۸۲۷ با جهان وداع میکند .

او در این دوران اثری خلق کرده است که کاملاً بی نظیر است و در تمام ادوار موسیقی بی همتا است. اما بتهون هیچگاه اثری را در دنیای موسیقی با کلام ومانند اپرا ، مس و... خلق نکرده است اما هیچگاه نمیتوان از سمفونی های بی نظیرش به سادگی گذر کرد.

ژوزف موريس راول

راول در هفت مارس ۱۸۷۵ در سيبور ناحيه پيرنه در فرانسه متولد شد وي در چهارده سالگي براي تحصيل موسيقي و نوازندگي ساز پينو به كنسرواتوار پاریس راه يافت و نزد گابریل فوره اهنگسازي را فراگرفت يکي از مهمترين ويژگيهاي اثار او تبحر در رنگ اميزي هاي ارکسترال و برگرفتن سونوريتيه هاي بدیع از ساز بيانو است بسياري از قطعات وي در اصل به عنوان قطعاتي براي بيانو آغاز شد در برخي از اثار راول تاثير امپرسیونیسم نیز مشاهده میشود اما در مجموع طبقه بندي اثار وي در قالب سبکهاي معمول غالباً دشوار است اگر چه مدرنیسم نهفته در زبان هارمونیک او و رنگ اميزي هاي باشکوهش سبک وي را تا اندازه اي به دبوسي نزديک میکند اما راول بر استقلال سبکي خویش اصرار و اعتقاد داشت که سبک شخصي وي پیش از اثار دبوسي پایه ريزي شده بود .

استفاده از مدهاي کلیسايي ملودي هاي تغزلي و وضوح ضرب و الگوهاي ریتیمیک بسیار تکرار شونده از دیگر ویژگی هاي اثار وي محسوب میشود همچنین او از ریتمها و رنگهاي صدایي جاز نیز در اثار خود بهره جسته است .

او مدتي به صورت نزديک با سرگئی دیاگیلوف همکاری داشت ، راول در سال ۱۹۳۲ در يك تصادف رانندگي دچار ضربه مغزي شد و دیگر نتوانست تا پایان عمر خویش به تصنیف اهنگ پردازد تا اینکه در پی يك عمل جراحی که براي بهبود وضعش صورت گرفت در ۲۸ ۱۹۳۷ در پاریس به درود حیات گفت.

یوهانس برامس

وي در سال ۱۸۳۳ متولد شد برامس استعداد موسیقيايی خود را از پدرش که نوازنده کنترباس در ارکستر فیلارمونیک شهر هامبورگ به ارث برده است ، وي در محله فقير نشين و در فقر بزرگ شد و مجبور بود طی گذراندن مدرسه شبها به عنوان پیانیست در کافه ها کار کند و کمک خرج يك خانواده ۵ نفری باشد در طی تحصيل موسيقي نزد ادوارد مارکسن اهنگساز بسیار خوب الماني با اثار بزرگان موسيقي بالاخص باخ و بتهوون و در طی مسافرتهاي بسیار در اوان جواني با دنياي موسيقي و شخصيتهاي

موسیقائی زمان خود آشنا شد و روش آهنگسازانی چون برلیوز و لیست و واگنر را در خلق اثری با جلال و درخشش ظاهری نمی پسندید .

انسانی بی نهایت حساس بود . طبیعت وجود خود را با شومان آهنگساز دوران رومانیک بسیار هماهنگ می دید که در نتیجه به دوستی پایدار این دو هنرمند انجامید . شومان در مجله موسیقی خود برامس را یک برگزیده می نامد و جهان موسیقی را متوجه این جوان بیست ساله می کند .

پس از نا موفق شدن در رهبری ارکستر شهر زادگاهش هامبورگ به شهر وین در اتریش کوچ می کند . در آنجا با تشویق و حمایت دوستان جدیدش به عنوان آهنگساز ، پیانیست و رهبر ارکستر شهرت می یابد . در این شهر وی با سنت مکتب وینی آشنا میشود که برای برامس به عنوان یک سمفونی نویسنده سرنوشت ساز است . موفقیت‌های پی در پی برامس تضمین مالی نیز برای او در پی داشت و وی از این جهت نیز زندگی بدون دغدغه ای را گذراند .

وی در کنسرت‌هایش بیشتر آثار خودش را اجرا می کرد و بیشتر دوست داشت رهبر ارکستر باشد تا نوازنده پیانو .